

۵ عامل در سیاست خارجی ایران
تحول در اولویت های تهران؟

به نظر می رسد ایران در حال بازنگری در رویکرد خود به تعاملات دیپلماتیک با همسایگان و غرب است و در این مسیر، منافع اقتصادی همکاری را در اولویت قرار داده است. موسسه خاورمیانه مدعی شد؛ تلاش های ایران برای تعامل با ایالات متحده، عربستان سعودی، روسیه و چین، قابل توجه و مشهود است؛ هرچند که ممکن است این اقدامات نه ناشی از تغییرات ایدئولوژیک عمیق، بلکه مانورهایی عمل گرایانه با هدف کسب منافع کوتاه مدت باشند. فشارهای سیاسی و اقتصادی داخلی، بیش از هر عامل دیگری ممکن است ایران را به بازنگری در رویکرد تقابلی خود نسبت به همسایگان و قدرت های جهانی وادار کند. یکی از آخرین پیامدهای احتمالی این تغییر موضع، عقب نشینی بلقوه ایران از حمایت از حوثی ها است. در ادامه به پنج عامل کلیدی که در بازتعریف سیاست های تهران باید زیر نظر داشت، اشاره می شود:

◀ دیپلماسی اقتصادی عمل گرایانه

سیاست خارجی کنونی ایران تحت دولت جدید، بر تعامل اقتصادی عمل گرایانه، به طور خاص با ایالات متحده، به عنوان راهکاری برای کاهش تنش های منطقه ای متمرکز شده است. یادداشت عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در روزنامه واشنگتن پست در تاریخ ۸ آوریل، نشان دهنده این چرخش است. وی در این یادداشت مستقیما روی گزینه اقتصادی دونالد ترامپ حساب کرده و ایران را به عنوان یک «بازار باز» برای سرمایه گذاری آمریکایی ها معرفی کرده، مشروط بر اینکه تحریم ها لغو شوند. این رویکرد نشان دهنده یک تغییر تاکتیکی به سمت دیپلماسی اقتصادی است که در آن، کسب منافع فوری بر مواضع ایدئولوژیک مقدم شمرده می شود. استقبال ایران از استیوویکتاف، تاجر آمریکایی، به عنوان مذاکره کننده با ایالات متحده نیز نشان دهنده تمایل تهران به بازتعریف روابط از مسیر تجارت به جای تقابل است. در داخل کشور، مقامات خواستار حمایت همه جناح ها از تلاش برای جذب سرمایه آمریکایی شده اند. البته مقاومت هایی از سوی جریان های تندرو وجود دارد، اما این گروه ها اقلیت کوچکی هستند و قدرت متوقف کردن روند کنونی دیپلماسی را ندارند. با این حال، در حالی که تهران در خارج کشور رویکردی باز و تعامل گرا نشان می دهد، نارضایتی در داخل همچنان ادامه دارد و این موضوع، تردیدهایی درباره میزان تعهد واقعی ایران به اصلاحات اساسی به وجود آورده است

◀ مدیریت ریسک

نزدیکی اخیر ایران و عربستان سعودی که در سال ۲۰۲۳ با میانجی گری چین شکل گرفت، حرکتی تاکتیکی در مسیر کاهش تنش ها به شمار می رود، اما ثبات بلندمدت در خلیج فارس همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. تلاش های اخیر عربستان برای برقراری ارتباط، از جمله سفر وزیر دفاع این کشور، خالد بن سلمان، به تهران در آوریل ۲۰۲۵، نشان دهنده تمایل ریاض به جلوگیری از پیامدهای احتمالی یک درگیری میان ایران و آمریکا است. عربستان با تعامل مستقیم با رهبری نظامی ایران، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به دنبال کسب تضمین هایی درباره سیاست های منطقه ای تهران است؛ سیاست هایی که ریاض آن ها را بیشتر تحت تأثیر بازیگران نظامی می داند تا دیپلمات ها. این رویکرد حاکی از یک استراتژی عمل گرایانه از سوی عربستان است که هدفش اجتناب از درگیری شدن در جنگ های منطقه ای است، نه لزوما ایجاد یک هم راستایی پایدار با ایران. گرچه برخی در تهران این نزدیکی را در هماهنگی با ایالات متحده و در راستای احیای استراتژی «دو ستون» (یعنی تقسیم نقش رهبری منطقه ای بین ایران و عربستان) می دانند، اما چنین نگاهی احتمالا انسجام اهداف راهبردی فعلی واشنگتن را بیش از حد ارزیابی می کند. در واقع، عربستان در حال بهره برداری از روابط رو به بهبود با ایران برای ایجاد موازنه در برابر فشارهای آمریکا و اسرائیل، به ویژه در زمینه عادی سازی روابط با تل آویو است.

◀ چرخش به سوی شرق

روابط فزاینده ایران با روسیه و چین، در حال بازتعریف سیاست خارجی این کشور است؛ اما این رویکرد بیشتر پاسخی به تحریم های آمریکا است تا نشانه ای از یک هم راستایی راهبردی عمیق. ایران در تلاش است تا از طریق مشارکت در نهاد هایی مانند سازمان بریکس (با محوریت روسیه) و سازمان همکاری شانگهای (با سلطه چین)، فشارهای واشنگتن را خنثی کند. در این چارچوب، توافق تجارت آزاد میان ایران و روسیه نیز می تواند به تقویت تجارت دوجانبه کمک کند. تهران نسبت به تعهد واقعی مسکو به اهداف مشترک بدبین است و در مناطقی مانند قفقاز جنوبی، همکاری و هماهنگی اندکی میان آن ها وجود دارد. در نهایت، چرخش ایران به سوی شرق، بیش از آن که ناشی از تغییر بنیادین در جهت گیری راهبردی باشد، از سر ضرورت است و سیاست راهبردی تهران همچنان سیال و تابعی از تحولات جهانی و منطقه ای است.

◀ محرک بازنگری

ناآرامی های سیاسی داخلی و بحران های اقتصادی، تأثیر چشمگیری بر سیاست خارجی ایران گذاشته و تهران را به سوی رویکردی عمل گرا تر و کمتر ایدئولوژیک سوق داده اند. یکی از عوامل کلیدی در این تغییر رویکرد، مقایسه ای است که با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی، صورت می گیرد؛ کشورهایی که از سیاست های مذهب محور فاصله گرفته و به سمت راهبرد های مبتنی بر تجارت و ادغام در اقتصاد جهانی حرکت کرده اند. فشارهای ناشی از تنگناهای معیشتی، به شکل گیری اجماعی در حال رشد انجامیده که ایران باید از تقسیم بندی های ساده انگارانه شرق و غرب فاصله بگیرد و به جای آن، دیپلماسی انعطاف پذیر و تجارت محور را در پیش بگیرد. راهبرد منطقه ای ایران در حمایت از متحدان و غیردولتی مانند حزب...، حماس و حوثی ها، با چالش های روزافزونی در زمینه پایداری مواجه شده است؛ چالش هایی که از تغییر در معادلات منطقه ای و افزایش فشارهای ایالات متحده ناشی می شوند. گزارش هایی مدعی شده اند که تهران در حال بازنگری در نحوه حمایت خود از حوثی ها است. این بازتنظیم تاکتیکی بیانگر نیاز فوری ایران به اولویت بخشی به امنیت خود در برابر حملات هوایی و حضور نظامی فزاینده واشنگتن در دریای سرخ و اقیانوس هند است. پیام های ایران به حوثی ها و گروه های عراقی برای خویشتن داری نیز نشانه ای از تغییر رویکرد استراتژیک است.

پیروز مجتهدزاده در گفت وگو با «آرمان ملی»:

توهم ترامپ در مورد خلیج فارس

کشورهای عربی به دلیل مشکلات هویتی به دنبال

تغییر نام خلیج فارس هستند

آرمان ملی – احسان انصاری؛ دکتر پیروز مجتهدزاده یکی از پیشতازان در عرصه حفاظت و صیانت از نام خلیج فارس در عرصه جهانی است که در محافل و رسانه های معتبر بین المللی شرکت کرده و از حقوق ایران در حوزه خلیج فارس و جزایر سه گانه حمایت کرده است. مدیرعامل پیشین بنیاد پژوهشی پوروسویک لندن کتب مختلفی در این زمینه به رشته تحریر در آورده است که می توان به کتاب نام خلیج فارس در درازای تاریخ اشاره کرد که ترجمه عربی آن در لبنان و ترجمه انگلیسی آن در لندن منتشر شده

یکی از افرادی که بیش از همه برای جعل نام خلیج فارس تلاش و هزینه کرد صدام بود

و او در کتاب های دیپرستانی و دبستانی تلاش می کرد که نشان داده شود اعراب نسبت به پارس ها از جایگاه برتری برخوردارند

نوین اتحاد جماهیر شوروی بود و از سوی دیگر با تلاش حکومت جدید رضاخان برای تقویت حس ناسیونالیستی ایرانیان در منطقه رویایی داشت. این رویایی ها به گونه مناقشات سرزمینی گسترده ای میان ایران و بریتانیا برسر جزایر بحرین، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، سیری و بخش هایی از خوزستان وجود داشت. با توجه به حجم گسترده این مناقشات در در سر آفرین آن دوران برای بریتانیا بود که لندن ترجیح داد پرونده یاد شده را نادیده گیرد تا از افزوده شدن بر انبوه کشمکش ها جلوگیری کند. این وضع تا سال ۱۹۵۸ ادامه یافت. در سال یاد شده عبدالکریم قاسم و سرهنگ های یارو یاور او در عراق کودتا کرده و آن کشور تأسیس شده توسط استعمار بریتانیا را مرکزی برای تعصبات عربی قلمداد نمودند و سراسر منطقه را به دوران تازه ای از تلاطم و کشمکش سیاسی کشاند.

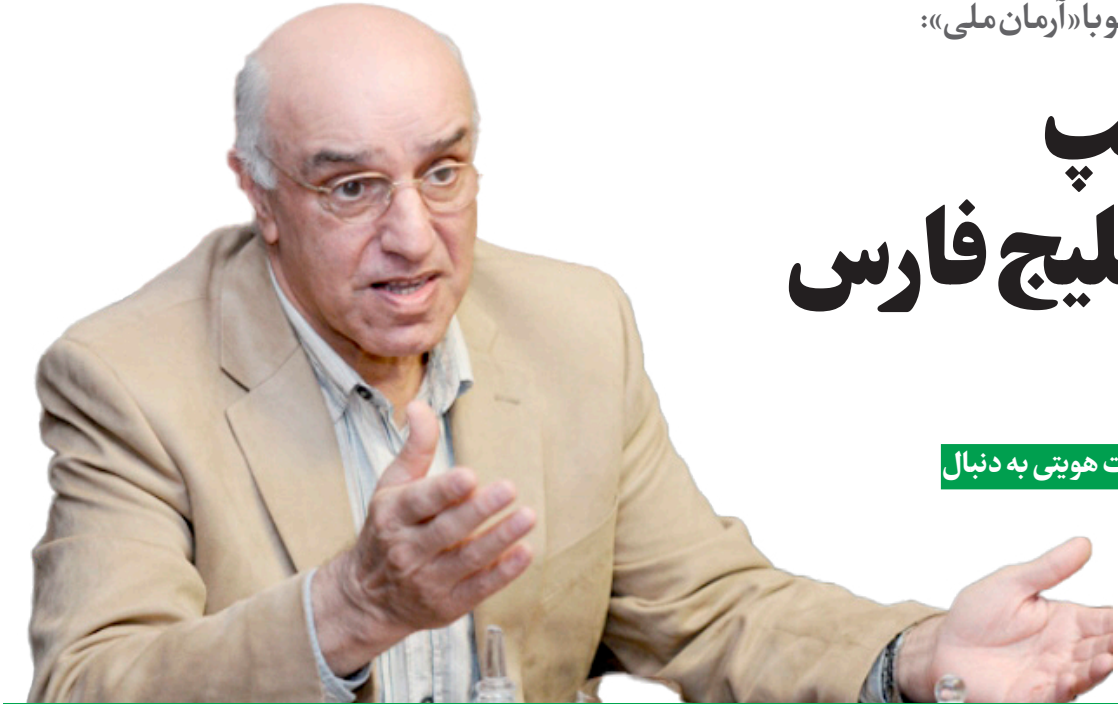
تغییر نام خلیج فارس در راستای تعصبات عربی و تقابل های سیاسی بود در حالی که موضوع خلیج فارس یک مسأله تمدنی و فرهنگی است. در چنین شرایطی چگونه اعراب به دنبال چنین تغییری حرکت کردند؟

این موضوع برای تعصب عربی مهم بود. عبدالکریم قاسم هنوز از کرد راه نرسیده داعیه رهبری دنیای عرب را در سر پروراند. از آنجا که عراق در خط مقدم مبارزات عرب در برابر دشمن ملی آنان یعنی اسرائیل نبود و قرار داشتن در خط مقدم مبارزه علیه دشمن ملت عربی ضرورت اجتناب ناپذیری برای رسیدن به رهبری عرب شمرده می شد، وی کوشید تا از ایران دشمن مشترک تازه ای برای همه اعراب درست کند. آن چنانکه دیگر نه تنها اعراب بلکه خود نیز در خط نخستین مبارزه با آن باشد. کسبیت های فراوان جغرافیایی سیاسی مربوط به چگونگی ترکیب ملت در عراق از سوی دیگر به گونه آشکاری بر همه سیاست های داخلی و خارجی عراق از آن تاریخ سایه افکن شد. بریتانیا در پایان جنگ جهانی اول با سر هم کردن سه استان موصل، بغداد و بصره از عثمانی پیشین و با ترکیب کردن سه گروه جمعیتی ناهمگن از سه ملیت جدا از هم عراق را به وجود آورده بود این ترکیب ناهمگن شامل یک بلوک جمعیتی ۲۰ درصدی از اعراب سنی مذهب بود که در اقلیت مطلق بوده ولی حکومت را دستکم تا پایان حکومت صدام در اختیار داشت. یک بلوک ۲۵ درصدی از کردهای آریایی که با ایران پیوندی فرهنگی و تباری دارد و یک اکثریت ۵۵ درصدی از شیعیان عرب زبان که با ایران پیوندی مذهبی تباری و فرهنگی دارد به این ترتیب پیوند های استوار مذهبی فرهنگی و تباری بیش از هشتاد درصد مردم عراق با ایران حکومتگران از اقلیت در آن کشور رانست به ایران و ایرانی بودن حساس کرده و دلیل دیگری برای دشمنی ها با ایران برای بعضی ها فراهم آورده بود. به این ترتیب بود که رژیم عبدالکریم قاسم میراث خواری عوامل استعمار بریتانیا همچون سر چارلز بلگریو را در دشمنی با ایران و در فارسی زدایی خلیج فارس پیش گرفت و نام ساخته و پرداخته شده بلگریو یعنی عنوان ساختگی خلیج عربی را برای خلیج فارس اعلام نمود. این همان دشمنی هایی است که رژیم صدام در عراق از عبدالکریم قاسم و سرمشق او، یعنی چارلز بلگریو به میراث برده بود دشمنی هایی

ایرانیان در راه دگرگون کردن نام دریا عمان و شط العرب بر اساس چند نقشه و اثر مقطعی تلاش نمی کنند چون می دانند چنین تلاشی کوتاه بینانه و نشان دهنده عدم احترام به اصول عمومی بین المللی، تاریخ و جغرافیاست

شنبه ۲۰ • ۰۲ • ۱۴۰۴
شماره ۲۱۰۳
سال هشتم
۱۲ ذی القعدة ۱۴۴۴ هـ / ۲۰۲۵

armanmeli.ir



است. همچنین وی در طول دوران فعالیتش نامه های اعتراضی مختلفی در جهت جلوگیری از جعل نام خلیج فارس به رسانه های معتبر بین المللی و روسای برخی کشورها نوشته است که مجموعه این نامه ها در کتابی تحت عنوان نامه هایی از ایران به دوزبان فارسی و انگلیسی گردآوری شده است. «آرمان ملی» به بهانه انتشار خبری درباره احتمال تغییر نام خلیج فارس در سفر ترامپ به خاورمیانه با این استاد برجسته جغرافیای سیاسی گفت وگو کرد که در ادامه حاصل آن را می خوانید.

که چهل سال کینه توزی و تبلیغات زهر آگین ضد ایرانی و هشت سال جنگ و انتقام جویی را به ایران و ایرانی تحمیل کرد.

آیا تنها عراق بود که مدعی تغییر نام خلیج فارس در راستای سیاست های ضد ایرانی اش بود و یا دیگر کشورهای عربی نیز چنین ادعاهایی داشتند؟

پیش از روی کار آمدن دار و دسته رژیم بعثی در عراق در اوج هیجان های نژادپرستانه پان عربیستی مصریان در سال ۱۹۶۲ بود که عبدالناصر تصمیم گرفت برای بیرون راندن دیکتاتور بغداد از دایره رقابت های نامیمون بر سر رهبری دنیای عرب، کارت برنده عربی تغییر نام خلیج فارس را از دست عبدالکریم قاسم خارج کند. وی در آن تاریخ در سخنرانی پرهیجانی پیرامون نژادپرستی های عربی پان عربیسم در نامیدن خلیج فارس از نام ساخته شده سر چارلز بلگریو برای این دریا بهره گرفت. در کتابی که یکی از یاران عبدالناصر در سال ۱۹۵۵ انتشار داد آن رهبر مصر که نه تنها خود را «عرب» که عرب را از نژاد برتر می دانست، نکته دیگر اینکه از آغاز سده بیستم میلادی نام خلیج فارس مورد استفاده عمومی و علمی آثار جغرافیایی و تاریخی عرب زبان بوده است. از نام دریای فارس کمتر استفاده شده است. همین دگرگونی این اشتباه را به میان آورده است که دریای «فارس»، نامی کهن و «خلیج فارس» نامی تازه است که جانشین آن یک شده است. اگر چه تلاش های سرهنگ ناصر برخی سیاست בזان دنیای عرب را با وی هم داستان ساخت، ولی دانشگاهیان و اندیشمندان راستین در دنیای عرب هنوز هم در برابر این تلاش برای زیر پای گذاردن اصول پذیرفته شده بین المللی و تاریخی و جغرافیایی سرفرود نیآورده اند.

رویکرد ایران در طول دهه ها توطئه برای تغییر نام خلیج فارس چه بوده است؟

اگر خلیج فارس از سوی ایرانیان خلیج ایرانی خوانده می شد اعراب حق همه گونه گلایه را داشتند. اما ایرانیان اصول اخلاقی حاکم بر جوامع متمدن را زیر پای نمی گذارند. رودخانه ای و دریای دیگری نیز جغرافیای ایران را از همسایگان عربش جدا می سازد. این دریا دریای عمان و آن رودخانه «شط العرب» نام دارد. ایرانیان نکوشیده و نمی کوشند این نامه را به دریای عمان و شط الایران برگردانند. کشورهای عربی باید بدانند که ایرانیان نیز می توانند اشاره به نقشه ها و اسناد از تاریخ گذشته نمایند که نام هایی دیگر برای دریای عمان و شط العرب به کار گرفته اند. ولی ایرانیان در راه دگرگون کردن نام این دریا و آن رودخانه بر اساس چند نقشه و اثر مقطعی تلاش نمی کنند چون می دانند چنین تلاشی کوتاه بینانه است و نشان دهنده عدم احترام به اصول عمومی بین المللی و همچنین نسبت به تاریخ و جغرافیا است. نام خلیج فارس این دریا را به مالکیت ویژه ایران در نمی آورد، چنانکه نام دریای عمان آن دریا را به مالکیت ویژه عمان در نمی آورد. ولی همه ما می دانیم که دامن زدن به این گونه مسائل جدایی افکن خدمتی به آرمان های شیطانیه علیه منافع مشترک ما و همسایگانمان در منطقه مشترک ما خواهد بود.

دانشگاهیان و اندیشمندان راستین در دنیای عرب هنوز هم در برابر این تلاش برای زیر پای گذاردن اصول پذیرفته شده بین المللی و تاریخی و جغرافیایی سر فرود نیآورده اند

یادداشت

بازی های سیاسی پشت پرده مذاکرات



محمد حسین واحدی

کارشناس مسائل سیاسی

مذاکرات ایران و آمریکا در حالی متوقف شد که منطقه در اوج تنش مجدداً قرار گرفت و در این افزایش تنش برخی گروه های نزدیک به ایران نقش داشتند. چندی پیش حوثی های یمن با انجام حملات پهپادی علیه ناو هواپیمابر هری ترومن باعث شدند که ناو جنگی آمریکا طی پیچ و حرکت ناگهانی یکی از جنگنده های خود را از دست بدهد. جنگنده مذکور نیز به قعر اقیانوس سقوط کرد. تقریباً هم زمان با این اتفاق بود که حادثه ناگواری برای بندر شهید رجایی رخ داد. بندری که یکی از بنادر مهم در حوزه تجارت در ایران به حساب می آید. در این حادثه حدود ۷۰ نفر از هموطنان ما به رحمت خدا رفتند. بعداً از این هم طی حادثه ای دیگری یکی از سوله های پهبادی در کرمان دو نفر از کارکنان آنجا جان خود را از دست دادند. ایران هم یکی از جاسوسان اسرائیلی را که مدت ها زندانی بود، بعد این اتفاقات اعدام کرد. چرا که بعد از حادثه بندرعباس که رخ داده بود نتایج هو طی سخنرانی خود اعلام کرد که به ایران حمله خواهد کرد. حتی او در سخنرانی خود به مذاکرات اخیر اشاره کرده و گفت قدرت موشکی ایران باید جز شروط مذاکرات قرار گیرد. برخی شایعات در فضای مجازی حاکی از آن بود که محموله دیو شده در بندر مربوط به استفاده های خاص بوده است اما این موضوع توسط مقامات رسمی نظامی تکذیب شد. در عین حال اعدام این شخص نشان از اقدام خوب ایران دارد. حتی تکذیب این رخ داد نیز نشان از اقدام درست ایران بود. چرا که اسرائیل سعی دارد با جهت دهی افکار عمومی نیروهای نظامی ایران را مقصر این رخ داد جلوه دهد. همان کاری را در قبال حزب... در انفجار بیروت انجام داد می خواهد اینجا نیز آن را تکرار کند. از سوی دیگر سعی دارد شروط را در مذاکرات مسأله موشکی ایران قرار دهد. البته تاکنون موفق نبوده چرا که والتز توسط ترامپ کنار گذاشته شده و مسئولیت مشاور امنیت ملی به اسرک رویو به صورت موروثی سپرده شده است. ایران باید حواس خود را به مارک رویو، اسرائیل و مخالفان ترامپ معطوف کند تا نظرها نر روی سرنوشت مذاکرات غالب نشود. از طرفی دیگر باید حواس خود را به حوثی ها و حماس جلب کند تا تنش از سوی آنان از کنترل خارج نشود، چراکه مذاکره ایران با آمریکا در حساس ترین شرایط خود قرار دارد و هرگونه تنش باعث به تعویق افتادن طولانی مذاکرات و حتی برهم خوردن آن می شود. ترامپ با اینکه خیلی به این توافق طبق گفته های خود نیاز دارد از سوی دیگر تهدید کرده است که هیچ کشوری حق ندارد از ایران نفت بخرد. وی سعی دارد کاری کند لابی اسرائیل را از اقدامات خود نیز رضای نگه دارد تا بتواند توافقی پایدار و ضامن صلح در منطقه ایجاد کند. ترامپ سعی دارد با این توافق بدون توجه به خواسته های اروپا به افزایش تعرفه ها حتی نفوذ اقتصادی چین را هم در ایران کند، چراکه اخیراً نمایندگی شرکت های خودروسازی چینی بزرگی در ایران به راه افتاده است. از جمله این اتومبیل ها می شود به تیگو، جک، کی امی و... اشاره کرد. نفت ایران هم که روانه چین می شود. اما در عوض ایران کمک های زیادی از چین دریافت می کند. برای مثال می توان به ایجاد شرکت های سوری در هنگ کنگ توسط ایران برای دور زدن تحریم ها و واردات تجهیزات ناز جمله پهپاد اشاره کرد. حادثه بندرعباس هم در جریان همین روند برای واردات سوخت موشک بوده که از چین می آمده است. چین یکی از شرکای ایران و روسیه هست که اینها با همدیگر یک مثلث راهبردی را که کابوس آمریکا است تشکیل می دهند. اتحادی که در جهان از آن به عنوان محور شرارت یاد می کنند. هر یک از اینها به نحوی مانع سلطه آمریکا بر جهان شده اند. آمریکایی که حسن روحانی رئیس جمهور پیشین ایران از آن به عنوان کد خدای جهان یاد کرد. حرف زیاد دور از واقعیت نیست آن هم آمریکای ترامپ که آمریکا را متمایز و برتر از دیگر کشورها سعی دارد جلوه بدهد آن هم با طرح های امپریالیستی و الحاق گرایانه خود مانند ضمیمه کردن کانادا، پاناما، گرینلند، غزه به بخشی از سرزمین خود سعی دارد تسلط خود را بیشتر از قبل بر جهان حاکم کند.